

فراز و فرود زندگی امام‌الحرمین جوینی



امام‌الحرمین جوینی متکلم، دانشمند و فقیه مسلمان شافعی مذهب، از مدرسین معروف نظامیه نیشابور بود. او شاگردان بسیاری را درس داد و زندگی و نظراتش فراز و فرود دوران را نشان می‌دهد. ابوالمعالی عبدالملک بن عبدالله بن یوسف امام‌الحرمین جوینی، ملقب به ضیاءالدین و متکلم، اصولی و فقیه شافعی اشعری، متولد 419 هجری قمری در نیشابور بود. پدرش رکن الاسلام ابومحمد جوینی و عمویش علی بن یوسف هر دو از علما و فقیهان بزرگ عصر خود بودند.

امام‌الحرمین جوینی متکلم، دانشمند و فقیه مسلمان شافعی مذهب، از مدرسین معروف نظامیه نیشابور بود. او شاگردان بسیاری را درس داد و زندگی و نظراتش فراز و فرود دوران را نشان می‌دهد. ابوالمعالی عبدالملک بن عبدالله بن یوسف امام‌الحرمین جوینی، ملقب به ضیاءالدین و متکلم، اصولی و فقیه شافعی اشعری، متولد 419 هجری قمری در نیشابور بود. پدرش رکن الاسلام ابومحمد جوینی و عمویش علی بن یوسف هر دو از علما و فقیهان بزرگ عصر خود بودند. در خصوص محل تولدش اتفاق نظر وجود ندارد اما بروکلیمان بر اساس یکی دانستن محل تولد و مرگش، قریه بُشتیقان را زادگاه وی دانسته است. این روستا در یک فرسنگی نیشابور قرار داشته است.

وی نزد پدر و نیز ابوالقاسم اسکافی اسفراینی، که با دو واسطه شاگرد ابوالحسن اشعری بود، کلام و اصول فقه آموخت و در همان زمان بر آرای کلامی اشعری تعلیق نوشت. مهم‌ترین کتاب فقهی جوینی نهاییه المطلب فی درایه المذهب است که از کتابهای مهم فقه شافعی نیز به‌شمار می‌آید. وی کتاب دیگری از جمله کتاب الورقات فی اصول الفقه دارد که ابن‌خلدون آن را اثری برجسته در فقه دانسته است. جوینی دو کتاب شامل فی اصول الدین و الارشاد الی قواطع الادله فی اصول الاعتقاد را در علم کلام نگاشته است. ابن رشد با توجه به کتاب الارشاد برخی از آراء کلامی جوینی را نقد کرده است. وی اهمیت زیادی در اندیشه کلامی اهل سنت داشته و وی را در کنار غزالی از جمله مهم‌ترین اندیشمندان اشعری مسلک دانسته‌اند.

وی هرچند اندیشمندی نوآور نبوده است اما کتب و تلاش‌هایش باعث شده است تا مرجعی برای دیگران بوده و به انتقال اندیشه و تفکر اشعری بپردازد. وی در اندیشه و کلام در کنار غزالی مورد استقبال گسترده عموم در شرق جهان اسلام قرار گرفته است. جوینی در اندیشه و کلام از ابوبکر باقلانی، ابوالحسن اشعری و ابواسحاق اسفراینی متأثر بود. یکی از نوآوری‌های معدود امام‌الحرمین را برهان حدوث دانسته‌اند که برای اثبات محال بودن حوادث بدون آغاز و لزوم تاهی در زمان اقامه شده است. البته دلیلی مشابه با همین مضمون در آثار کندی و برخی مشایخ معتزله وجود دارد.

در هنگام فوت، امام‌الحرمین بالغ بر چهارصد شاگرد داشت. ابن اثیر در تاریخ کامل در ارتباط با مرگ وی آورده است: «در عزایش شورش‌های عجیب بر پا شد. منبرش را شکستند و بازارها را بستند و تا یک ماه کسی عمامه بر سر نگذاشت و شاگردان وفادارش قلم و دوات را شکستند و یکسال به همین حال باقی ماندند.» وی را در کربلا و در مجاورت پدرش دفن کردند.

نوسان در حیات امام‌الحرمین

امام‌الحرمین در نیشابور از علمای برجسته اشعری مسلک بود که عمیدالملک کندی وزیر طغرل بیگ سلجوقی شد. وی در زمان روی کار آمدن طغرل و وزیرش عمیدالملک کندی در سال 445 قمری آوازه‌ای چندان بلند داشت که قهر بر علیه اشعریان شامل حال وی نیز شد. عمیدالملک کندی، وزیر طغرل بیگ سلجوقی، مبنی بر لعن رافضه و اشاعره در منابر خراسان، برخی علما از جمله جوینی سخت به محنت افتادند. کندی در سال 456 ضد اشاعره و تشیع قیام کرد و لعن آن‌ها را در مجالس وعظ روی منابر نیشابور الزامی دانست. او می‌گفت اشعری‌ها در صفات الهی اعتقاداتی خلاف باورهای اهل سنت و جماعت دارند، از این رو در زمان وزارت کندی، اشعریان مرتد اعلام شدند و فرمان لعن اشاعره بر منبرها صادر شد. خود کندی را معتزلی و مجسمه دانسته‌اند. پس از مرگ طغرل بیگ و روی کار آمدن البارسلان، کندی اعدام شد.

دوران سخت جوینی حدود یازده سال به طول انجامید. وی در این دوره به همراه دیگر اندیشمندان اشعری مورد تعقیب قرار گرفت. وی مخفیانه به حجاز گریخت که از حوزه تسلط سلاجقه خارج بود و در حوزه قدرت خلفای بنی‌عباس قرار داشت. ابن اثیر علت این مسافرت را «خشونت کندی و دستور لعن اشاعره توسط وی و به دستور طغرل بیگ می‌داند که بزرگان اشاعره از جمله ابوالقاسم قشیری و ابوالمعالی جوینی در خراسان را ناراحت و در نتیجه مجبور به ترک خراسان کرد.»

با بر سر کار آمدن البارسلان سلجوقی و وزارت خواجه نظام‌الملک، اوضاع دگرگون شد و جوینی در ۴۵۵ یا کمی بعد از آن به نیشابور بازگشت. خواجه مدرسه نظامیه نیشابور را برای او بنیان گذارد و او بیست سال، تا آخر عمر، در این مدرسه تدریس کرد و به دوران اوج در نیشابور بازگشت.

امام‌الحرمین تدریس نخبه‌پرورانه‌ای داشت، به گونه‌ای که شاگردان گزیده او در تمامی اوقات روز و شب فرصت داشتند با استاد در هر مسئله‌ای گفتگو کنند و او با گشاده‌رویی و سعه صدر، به بررسی عقلی و تحلیل مسائل اعتقادی و برانگیختن شوق تأمل و تحقیق در مسائل ایمانی، حتی در گفتگوهای عام، می‌پرداخت. ادعا شده است که در آخرین لحظات زندگی از این کار خود اظهار پشیمانی کرد. وی تا پایان زندگی شوق آموختن داشت، به گونه‌ای که در سالهای آخر عمر، عالمی نحوی را که به نیشابور آمده بود هر روز به خانه می‌برد و نزد او ادبیات می‌خواند. چهار سال در مکه و مدینه مجاورت گزید، و تمامی مسائل فقه را موافق هر کدام از مذاهب اربعه که سؤال می‌کردند فتوی می‌داد و پاسخ می‌نوشت، به همین جهت به امام‌الحرمین مشهور شد.

اندیشه سیاسی امام‌الحرمین

وی در کلام سیاسی پیرو اهل سنت بود، اما در اندیشه‌اش خصوصیت بارز زمانه، یعنی تفوق نهاد سلطنت را منعکس می‌کرد، معصومه محمدیاری در خصوص اندیشه سیاسی امام الحرمین می‌گوید: تغییرات و دگرگونی‌های حاد پدید آمده در تشکیلات سیاسی اسلام در زمانه امام الحرمین به حدی بود که تجزیه و از هم پاشیدگی جهان اسلام را به بار آورده بود و با ظهور حکومت‌های سلطنتی، مسائل نوینی فراتر از کشمکش‌های کهن؟ فرقه‌ای را مطرح می‌ساخت. تأثیر این تحولات را به خوبی می‌توان در اندیشه سیاسی جوینی و سعی او در ایجاد هماهنگی این تحولات با اندیشه اشعری مشاهده کرد که در نهایت به مسیری می‌رسد که به نظر می‌آید تحولات زمانه تأثیر غالب را دربر دارد. این مسأله به ویژه در بحث حاکم مقتدر خود را نمایان ساخته و به نظر می‌رسد که اندیشه سیاسی امام الحرمین را با وجود تناقضات فراوان به سوی الگوی سلطنت و حکومت سلطانی مطابق با شرایط زمانه و البته با توجه به مباحث دینی و کلامی پیش می‌برد.